

# لذت خیانت

| بلانشو، دومان، بانتلر | نصراله مرادیانی |

**Betrayal's Felicity**

| Nasrollah Moradiani | Blanchot, de Man, Butler |



| چاپ چهارم |

## لذت خیانت

مقالاتی درباره‌ی ترجمه از بلانشو، دومان، باتلر

ترجمه‌ی نصراله مرادیانی

ویراستار: سروش سمیعی

نمونه‌خوان: میلاد واصلی

صفحه‌آرایی: آلا شوینز

مدیر هنری و طرح‌گرافیک: سیاوش تصاعدیان

مدیر تولید: مصطفی شریفی

چاپ چهارم، ۱۳۹۸ تهران، ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹-۸۷-۵۱۹۳-۶۰۰-۹۷۸

---

|||  Bidgol Publishing co. |||

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخررازی، پلاک ۱۲۷۴

تلفن فروشگاه: ۶۶۴۶۳۵۴۵، ۶۶۹۶۳۶۱۷

---

**bidgolpublishing.com**

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

---

## فهرست



۷	یادداشت دبیر مجموعه
۱۳	یادداشت مترجم
۱۹	ترجمه کردن / موریس بلانشو
۲۹	ترجمه از / موریس بلانشو
۵۹	«نتایج»: «رسالت مترجم» والتر بنیامین / پل دومان
۱۲۱	لذت خیانت / جودیت باتلر
۱۴۳	نمایه‌ی نام افراد و آثار
۱۴۹	نمایه‌ی موضوعی

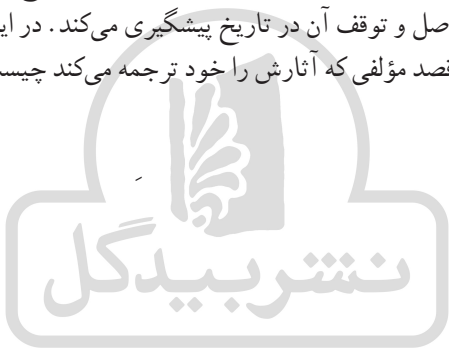
## یادداشت مترجم

هر یک از مقالات کتاب حاضر در زمان و زمینه‌ی متفاوتی به رشته‌ی تحریر در آمده و منتشر شده است. دو مقاله‌ی نخست نوشته‌ی متفکر و منتقد فرانسوی موريس بلانشو، مقاله‌ی سوم به قلم نظریه‌پرداز و منتقد ادبی پل دومان و مقاله‌ی پایانی نوشته‌ی جودیت باتلر متفکر آمریکایی است. بلانشو دو مقاله‌ی اول را با فاصله‌ی چیزی نزدیک به دو دهه در دو کتاب خود با عنوان‌های کار آتش (۱۹۴۹) و دوستی (۱۹۷۱) به چاپ رساند. مقاله‌ی دومان نخست در ۱۹۸۳ و سپس در کتاب مقاومت در برابر نظریه (۱۹۸۶) با اندکی تغییر به چاپ رسید و مقاله‌ی باتلر به سال ۲۰۰۴ منتشر شد. با این حال، همان‌طور که از نحوه‌ی گزینش مقاله‌ها بر می‌آید، هدف از ترجمه‌ی این مقالات در مجلدی واحد پرداختن به شیوه‌ی فکری هر متفکر به‌خصوص نبوده؛ هر چند از خلال قرائت مقالات با زمینه‌ی فکری نویسنده‌ی آن مقاله در دوره‌ی به‌خصوصی از تفکر وی نیز آشنا می‌شویم.

نقطه‌ی پیوند مقالات این کتاب تأثیرپذیری همه‌ی آن‌ها از رسالت مترجم والتر بنیامین است. در هر چهار مقاله بر کار خلاقانه‌ی مترجم تأکید شده است و این موضع سنتی که کار مترجم تقلید یا رونوشت متن اصلی است به نقد کشیده شده است. طرح ایده‌هایی نظیر کشف غیریت از پیش حاضر در متن اصل و از این طریق آشکارکردن تزلزل‌ها و شکاف‌های موجود در آن به‌زعم بلانشو، رساندن خبر مرگ متن اصل به گوش مخاطب، تأکید بر تکه‌تکه‌بودن ابدی زبان آدمی و مشروعیت‌زدایی ترجمه از متن اصل در قرائت دومان و همچنین تصور ترجمه به‌منزله‌ی افترازدن به متن اصل در نوشته‌ی باتلر جملگی حاکی از خواست این نویسندگان برای ارائه‌ی قرائتی رادیکال از متن بنیامین است. آیا این نویسندگان در امر «ترجمه»ی متن بنیامین کامیاب شده‌اند؟ به گفته‌ی دومان، مترجمان متن بنیامین، هری زون و موریس دو گاندیاک، در ترجمه‌ی متن او شکست خورده‌اند. دومان در ادامه و در حین قرائت خود از متن بنیامین به شکست خود هم اذعان می‌کند. قرائت دومان از عنوان مقاله‌ی بنیامین معانی دوگانه‌ی Aufgabe را روشن می‌سازد. Aufgabe هم به معنی رسالت است (رسالت مترجم) و هم به معنی شکست (شکست مترجم).

مترجم سر آن ندارد تا همچون شاعر یا مؤلف بر اصالتی کاذب پافشاری کند. مترجم از همان آغاز و حتی پیش از

ترجمه می‌داند که شکست می‌خورد. برخلاف او مؤلف (author) دست به تألیف می‌زند و خیال می‌کند بر نوشته‌ی خود تسلط (authority) دارد. از دل همین اذعان مترجم به شکست، و نه ادعای کامیابی در تولید خلاقانه، است که ایده‌ی ترجمه با آگاهی تاریخی پیوند می‌یابد. ترجمه موجب پیش‌روی اصل می‌شود، آن را به حرکت وامی‌دارد و نوری که بر متن اصل می‌تاباند از پوسیدن شاخ‌وبرگ متن اصل و توقف آن در تاریخ پیشگیری می‌کند. در این میان، قصد مؤلفی که آثارش را خود ترجمه می‌کند چیست؟



## ترجمه کردن

موریس بلانشو

آیا می‌دانیم چه قدر وامدار مترجمان و بیشتر از آن ترجمه هستیم؟ باید گفت نه، ما آگاهی کاملی از این مسئله نداریم. حتی هنگامی که به خاطر قدم نهادن متهورانه‌ی مترجمان به معمای رسالت مترجم، از آن‌ها سپاس‌گزاریم؛ هنگامی که دوردور، به نشانه‌ی احترام، برای این استادان بی‌نام‌ونشان فرهنگ‌مان دستی تکان می‌دهیم، درحالی‌که رهین لطف آن‌ها هستیم و به جدو جهد آن‌ها نیازمند، این تأیید ما بی‌رمق و بفهمی نفهمی تحقیرآمیز باقی می‌ماند — باید هم این‌گونه باشد، چون به‌هیچ‌روی یارای سپاس‌گزاری از آن‌ها را نخواهیم داشت. درباره‌ی نکاتی چند از مقاله‌ای نوشته‌ی والتر بنیامین بحث خواهیم کرد که این نویسنده‌ی توانا در آن پیرامون رسالت مترجم، این شکل خاص فعالیت ادبی و این شکل ناب صحبت می‌کند؛ و اگر کسی در ادامه از شاعران، رمان‌نویسان و فی‌الواقع منتقدان و همه‌ی

کسانی که در باب معنای ادبیات پاسخگو هستند نام برَد، باید همچنین از مترجمان هم سخن به میان آورد— آنان که نادرترین نویسندگان اند و به واقع بی همتا.<sup>۱</sup>

باید به خواننده یادآوری کنم که ترجمه مدت‌ها در عرصه‌های مختلف فرهنگ و انمودی نابه‌کارانه تلقی می‌شد. برخی نمی‌خواهند کسی متنی را به زبان آن‌ها ترجمه کند؛ در مقابل، برخی دیگر نمی‌خواهند کسی از زبان‌شان ترجمه کند و لازم است مترجمان برای این خیانت بجنگند و به معنای واقعی کلمه آن را تحقق بخشند؛ یعنی زبان حقیقی ملتی را به سرزمینی بیگانه منتقل کنند. (به یاد داشته باشیم اتئوکلس<sup>۲</sup> را که با نومییدی می‌گفت: «سرزمین مرا ویران نکنید، سرزمینی در بند دشمنان، شهری که به زبان حقیقی یونانیان سخن می‌گوید.») با این حال، مترجم باز هم محکوم به ارتکاب گناهی بس بزرگ است. او، دشمن خدا، در جست‌وجوی بازسازی برج بابل است و می‌خواهد به طرزی غریب از آن کیفر الهی که آدمیان را در آشفتگی زبان‌ها از یکدیگر جدا کرده است سود جوید. در گذشته، این باور وجود داشت که بازگشت به زبانی اصیل امکان‌پذیر است، زبانی متعالی

1. Walter Benjamin, *Oeuvres choisies*, translated from the Germany by Maurice de Gandillac (Denoël, "Les Lettres nouvelles" series)

۲. اتئوکلس (Eteocles): فرزند اودیپ و یوکاسته. او و برادرش پولونیکس را نفرین کرد تا به دست هم کشته شوند. ابتدا اتئوکلس برادر خود را کشت و سپس خود به دست جانشین پولونیکس کشته شد.



که در آن آغاز سخن، همانا، بیان حقیقت بود. بنیامین این امید را در سر دارد. او می‌گوید، هدف همه‌ی زبان‌ها بیان واقعیتی واحد است، ولی با شیوه‌ای متفاوت. وقتی می‌گویم *Brot* و وقتی می‌گویم *Pain*، مقصودم یک چیز است با شیوه‌ی بیانی متفاوت. هر زبانی به تنهایی ناکامل است. ترجمه‌ای که یک شیوه‌ی بیان را جایگزین شیوه‌ی بیانی دیگر و سبکی را جانشین سبکی دیگر کند رضایت‌بخش نیست. اشاره‌ی من به زبانی والاتر است، زبانی که نقطه‌ی هارمونی یا نقطه‌ی تکمیل‌کننده‌ی تمامی مقاصد متفاوت زبان‌ها است. زبانی که در منزلی آرمانی قرار دارد و در آن راز زبان‌هایی خاتمه پیدا می‌کند که تمامی آثار ادبی به زبان آن‌ها بیان شده است. در حقیقت، به باور مسیحایی هر مترجم بستگی دارد که او به قصد سوق دادن زبان‌ها به سوی این زبان غایی ترجمه کند، تا هر آن‌چه زبان‌های مختلف از آینده در خود دارند را نمایان کند و هر آن‌چه را ترجمه می‌خواهد به دست آورد.